

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

انتباه منفی از چگونگی واگذاری کشور به مخالفان مسلح منافع ملی افغانستان و مصالح کشورهای خارجی حفظ استقلال سیاسی و تقدم اصل حاکمیت ملی

واقعیت خصوصیات ستراتیژی جدید ترامپ
فراخوانی بخشی از نظامیان امریکایی
موضعگیری مخالفان سیاسی
واکنش دولت افغانستان

بیشتر از یک سال می‌شود که دونالد ترامپ ستراتیژی جدید آن کشور در مورد افغانستان را با اطلاع همگان رسانید. پس از ۱۶ ماه، نامبرده همچنان یادآور گردید که در صدد فراخوانی عده‌ای از نظامیان آن کشور از افغانستان نیز بوده و در مذاکرات با مخالفان حاکمیت سیاسی افغانستان نیز شرکت می‌ورزد. مطابق موضوعات گفته‌آمده، ایالات متحده و "طالب‌ها"، ملاقات‌ها و مذاکراتی را در عربستان سعودی بدون شرکت مستقیم نمایندگان حاکمیت سیاسی افغانستان، انجام خواهند داد. دولت افغانستان نیز اعلام نمود که در نظر دارد تا هیأتی را بمنظور سه‌مگیری و شرکت در مذاکرات یاد شده که قرار است در جده تدویر یابد، به کشور عربستان سعودی بفرستد. "طالب‌ها" (بگفته ذبیح الله مجاهد)، از شرکت در مذاکرات با نمایندگان جانب دولت افغانستان امتناع ورزیدند. اما در این اواخر، مولانا سمیع الحق طی گفتار ی "طالب‌ها" را به گفتگو و ملاقات مستقیم با نمایندگان دولت افغانستان تشویق نمود. باین ارتباط یکی از جمله رهبران "طالب‌ها" به رویترز یادآور شد که طی ماه جنوری سال روان، با ایالات متحده در کشور عربستان سعودی، مذاکرات را آغاز خواهند نمود. این امر، بخودی خود تداوم ملاقات و گفتگوهای ابوظبی محسوب می‌گردد. نامبرده همچنان یاد آور شد که با نمایندگان دولت افغانستان بگونه مستقیم به گفتگو نخواهند پرداخت.

پیش از این، "طالب‌ها" از دیدار و گفتگو با نمایندگان دولت افغانستان در ابوظبی نیز امتناع ورزیدند. بدین ترتیب، رهبری "طالب‌ها" مسئله را وضاحت بخشیده و چنین افاده می‌نمایند که رژیم کنونی در افغانستان، موضوع مورد بحث فرآیند سیاسی محسوب نگردیده و دورنمایی برای آن در آینده کشور اصلن بمشاهده نمی‌رسد.

توجه نمایید، قبل از آغاز مذاکرات در امارات متحده عربی که با شرکت نماینده‌های پاکستان و عربستان سعودی تدویر پذیرفت، حلمی خلیل زاد، نماینده خاص ایالات متحده در امور کشور ما به اشرف غنی رئیس جمهوری کشور از شرکت و سهم ورزی هیأت نمایندگی افغانی در مذاکرات یاد شده اطمینان داده بود، اما چنین وضعیتی اصلن اتفاق نیافتاد. در گردهمایی یاد شده هیأت جانب افغانی اصلن اجازه حضور نیافت، بنابراین در غیاب افغانستان در مورد سرنوشت کشور ما تصمیم اتخاذ می‌گردد، از لحاظ اصول و موازین حقوق بین‌المللی خصوصی، به آن چه می‌توان خطاب نمود؟

چنین گفته می شود که امریکایی ها درصدد آن شدند تا در آخرین دور مذاکرات، بگونه رو در رو با نماینده های دولت و "طالب"ها ملاقات نمایند. نباید فراموش نمود که این یک امر بديهی محسوب می گردد که امریکایی ها خود را مکلف نمی دانند تا بمنظور شرکت شان در مذاکرات، رضایت خاطر طرفی را در نظر داشته باشند و متأسفانه درواشننگتن نیز به ذهنیت و نوع نگاه کابل بگونه معینی ارزش قایل نگردیده و بار دیگر خود را با آینده سیاسی رژیم مواجه نمی سازند. این واقعیت که بزودی پس از ختم ملاقات و گفتگوها در ابوظبی، ترامپ از تقلیل و فراخوانی عده ای از نظامیان آن کشور از افغانستان سخن گفت، بخودی خود فاکتی در مورد رسیدن به نوعی از توافق با "طالب"ها محسوب می گردد. رئیس جمهور ایالات متحده در مورد خروج کامل قوت های مسلح و نظامیان امریکایی از افغانستان، کشوری که از اهمیت قابل توجه ژئوپولیتیکی و ستراتیژیکی برخوردار می باشد، اصلن سخنی بمیان نمی آورد، اما قصد دارد تا از حضور نظامی در ازمدت و حفظ و موجودیت پایگاههای در اراضی کشور ما اطمینان حاصل نماید. این درحالیست که و اشننگتن بدنبال حداقل رسانیدن تهدیدات و تقلیل هزینه ها در مورد نیز می باشد.

تلاش ها بمنظور بکارگیری از تجربه عراق و تحریک کشتار فرقه یی که در آن بومیان و اهالی خودی به قتل همدیگر متوسل گردند، خوشبختانه در کشور ما کاراً واقع نگردیده، چنین وضعیتی جنبه عملی کسب ننموده و برنامه های مورد نظر دشمنان کشور ما اصلن به ثمر نرسید. افغان ها که تا مغز استخوان ملی گرا می باشند، اصلن در پی ایجاد و برپایی "خلافت جهانی" نمی باشند، منافع و خواست های آنها در محدوده کشورشان مطرح بحث بوده و برایشان معنا و مفهوم دارد.

این واقعیت را نباید از یاد برد که تلاش های فراوانی در امر مشارکت بیشتر متحدان امریکایی و وارد نمودن سنگینی بیشتر به آنها بمنظور تداوم مبارزه با مخالفان مسلح و تقویت حاکمیت سیاسی در کشور انجام پذیرفته و اما تا کنون نتیجه دلخواه و مطلوبی بیار نیآورده است. هیچکدام از طرف ها تاکنون در پی آن نشده اند و اصلن درصدد آن نیز نمی باشند تا بیشتر از این بمنظور دستیابی به اهداف و اشننگتن، به تداوم جنگ و خونریزی ادامه دهند. چنانچه وزیر دفاع بلغاریا با صراحت اظهار داشت که با تقلیل نظامیان امریکایی در افغانستان، کشوری نیز تفنگدارانش را به کشور فراخواند خواند. همچنان نامبرده اضافه نمود که اگر کشورهای موجود در افغانستان به تقلیل نظامیان شان مبادرت ورزند، صوفیه نیز به سیاست کنونی اش در مورد یاد شده به تجدید نظر خواهد پرداخت.

در این میان، کاملن واضح و مبرهن می باشد که در چنین یک وضعیتی، حضور ایالات متحده با نیروهای موجود نظامی بدون موجودیت نظامی سایر کشورهای متحد در امر مبارزه علیه تروریسم، اصلن در امر حفظ وضعیت با ثبات کشور و تأمین نظارت های لازمی، کافی و بسنده نبوده و با مشکلات و کمبودی هایی مواجه خواهد گردید. اما دونالد ترامپ چنین می پندارد که پس از فراخوانی عده ای از نظامیان کشورش، بنحو بهتری قادر خواهد گردید تا به حفظ و نگهداری پایگاههای در افغانستان مبادرت ورزیده و وضعیت کشور ما را از طریق این پایگاهها و توسط نظامیان موجود آن کشور در آنها، تحت نظارت و دیدبانی قرار دهد. اما در همین حال، ایالات متحده در شرایط و وضعیت کنونی بخود اجازه نمی دهد تا بیش از این در جنگ کنونی که خود و متحدینش در کشور ما براه انداخته و بمنظور تداوم آن هم نیروهای انسانی بیشتر و هم مبالغ سرسام آور و هنگفت مالی ضرورت می باشد، بیشتر و ژرفتر وارد تعامل گردد. بهمین دلیل، برای "طالب"ها اصل دسترسی به قدرت در آینده افغانستان بیش از حد ارزش داشته و مهم تلقی می گردد. توافق در مورد موجودیت در ازمدت پایگاههای نظامی ایالات متحده در افغانستان و برسمیت شناختن "وضعیت بیطرفی" آنها نیز از دیگر موارد مورد بحث می باشد.

البته "طالب"ها بهتری دانند که ایالات متحده در افغانستان با چه معضلاتی مواجه می باشند. آنها چنین می پندارند تا سعی گردد که از وضعیت پیش آمده استفاده اعظمی بعمل آورند. بویژه آنها موفق گردیدند تا حاکمیت سیاسی کشور را در مذاکرات و گفتگوهای حل و فصل مسایل افغانستان کم اهمیت جلوه داده و با هیأت اعزامی جانب افغانی اصلن به ملاقات و گفتگو حاضر نگردیدند.

با این حال، در چنین وضعیتی آشکار و واضح، فراخوانی عده ای از نظامیان امریکایی و سلسله دیگر اقدامات اینچنینی ایالات متحده، آیا بمفهوم تسلیمی بلاقید و شرط آن کشور در قبال مخالفان مسلح محسوب نمی گردد؟ بنابراین، ایالات متحده تا جایکه ممکن می باشد، به حاکمیت کنونی کشور باید توجه و دقت لازمی مبذول نماید. اما

اظهارات دونالد ترامپ در مورد فراخوانی روسیه، هند و پاکستان به سهمگیری و شراکت در جنگ کنونی در کشور ما به یقین که عجیب بنظر می رسد.

ترامپ همچنان ادامه داده می افزاید که به کشورهای دیگری نظر انداخته و نگاه کنید که پاکستان نیز در آنجاها وجود دارد. آنها می توانند جنگ نموده و به مبارزه تداوم بخشند، روسیه هم می تواند در این عرصه در ادامه جنگ سهم ور زد. نامبرده، ضرورت و نیاز حضور نظامیان امریکایی در اراضی کشور ما را مورد سوال قرار داد.

وی در ادامه سخنانش افزود که "چرا روسیه آنجا نیست؟ به چه دلیلی هند در آنجا حضور ندارد؟ چرا پاکستان آنجا نباشد؟ کشورهای یادشده در امر مبارزه علیه "طالب"ها و "دولت اسلامی" باید فعالانه سهم ورزند."

این برغم این واقعیت می باشد که اخیرن امریکایی ها با تمام توان مانع مشارکت و سهمگیری سیاسی - دیپلماتیک بسیاری از کشورهای تأثیرگذار در امور و مسایل حل و فصل معضلات مربوط به کشور ما گردیدند. اما بعدها وضعیت متغیر گردیده و واشنگتن در صدد آن شد تا سنگینی مبارزه با "طالب"ها را بدوش مسکو، دهلی و اسلام آباد تحمیل نماید.

و اما اگر بازگشت مسکو به حوادث کنونی کشور ما بعید بنظر می رسد، پس پاکستان با توجه به مشخصات مناسبات با افغانستان و روابط و مناسبت های قبلی و قدیمی با "طالب"ها با چنین توافقی باید مخالفت ورزد و کشور هند نیز که اصل اسلامگرایی را بمثابه یکی از تهدیدات عمده امنیت ملی کشورش محسوب می نماید، نیز در توافق با طرح یادشده عدم رضایتش را اظهار خواهد نمود. باین ترتیب، با تطبیق و اجرای عملی ستراتیژی پیشنهادی ترامپ، کشور عزیز ما به عرصه جنگ داخلی میان دو قدرت هسته یی مبدل خواهد شد.

با این حال، همگرایی منافع کشورهای چین، ایران، جمهوری های آسیای میانه و حتا ترکیه را در سرزمین ما افغان ها می توان مشاهده نمود. بطوریکه تجرد افغانستان بیشتر پیچیده تر گردیده و گاه غیر منتظره هم بنظر میرسد. بنابراین، بازی کنونی در افغانستان در حال تبدیل شدن به یک پیکربندی پیچیده و گاهی هم غیر منتظره می باشد.

نباید فراموش خاطر ما گردد که مذاکرات و گفتگوها میان دیپلمات های امریکایی و "طالب"ها، به نوحی از انحاء، نگرا نی های حاکمیت کنونی کشور و نیروهای اپوزیسیون شمال را سبب گردید. درین مقطع سوالی مطرح می گردد که

آیا مذاکرات کنونی به ایجاد صلح و امنیت در کشور کمک خواهد نمود؟

خلمی خلیل زاد نماینده ویژه ایالات متحده در عرصه حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما، در مورد اظهار داشت که در نیمه دوم ماه جدی سال روان، جرعه ای در مورد ملاقات و گفتگوها میان هیأت نمایندگی ایالات متحده و نماینده های "طالب"ها بمشاهده رسیده و مسایل افغانستان در دستور کار قرار گرفته، از لحاظ مبرم بودن، سایر مسایل را به حاشیه رانده و بمثابه اولویت های کاری پذیرفته شد. اما پیام ها و اطلاعاتی در مورد عملیات زمستانی شورشی ها، به گونه ای مسایل مربوط به کشور ما را که مجددن آغاز گردیده در خلأ قرار می دهد.

سوال های متعددی در مورد رسوایی های انتخابات پارلمانی در کشور و تأخیر در اعلام نتایج پایانی آن مطرح بحث بوده و همچنان دورنمای انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در سال آینده خورشیدی برگزار گردد و اینکه آیا تدویر انتخابات ریاست جمهوری کشور در سال آینده قابل پیشبینی می باشد، تا کنون در هاله ای از ابهام قرار دارد.

میان اهالی و باشندهای شهر کابل، نگرانی های گسترده و فراوانی در زمینه چگونگی وضعیت اجتماعی - سیاسی کشور که روز تا روز بوخامت می گراید، موجود بوده و از عواقب آن شدیدن هراس دارند.

نوع ارتباط و مناسبات ایالات متحده با "طالب"ها، ممکن بگونه قطعی بر سر نوشت انتخابات بمفهوم محدود کلمه و برسیستم سیاسی کشور بمفهوم وسیع کلمه تأثیرگذار بوده و مؤثر واقع گردد. پس از انتشار پیش نویس توافقات صلح، اگر طرح توافقات صلح میان ایالات متحده، کابل و "طالب"ها از قوه بفعال مبدل گردد، بمثابه یکی از جمله قابل توجه ترین اقدامات منطقی و حتا ژئوپولیتیکی محسوب می گردد.

طرح متذکره شامل ایجاد دولت انتقالی با رهبری قابل تعویض بوده که البته پس از سپری نمودن دوره طولانی انتخابات ریاست جمهوری، از قوه بفعال مبدل خواهد گردید. نشر اخبار و اطلاعات اینچنینی از طریق وسایل اطلاعات جمعی، واکنش حاکمیت سیاسی کشور را برانگیخت.

بدین ترتیب، یک هفته پس از آن، رئیس اجرائی کشور اظهار داشت که ایالات متحده در صدد آن می باشد تا در عقب

و دور از دید و نظر حاکمیت کنونی کشورما، چگونگی سیر حوادث و وقایع افغانستان را بگونه دلخواه و مطابق ذوقش عیار نماید.

همچنان در مورد یادشده، مطالب و موضوعات به نشر رسیده در وسایل اطلاعات جمعی حاکی از این امر می باشد که تدویر مذاکرات و گفتگوهای در مورد کشورما بدون حضور و سهمگیری هیأت رسمی نمایندگی حکومت وحدت ملی، به صلح و امنیت در کشور نیانجامیده، بلکه چنین اقدامی به هدف "قهرمان سازی" طالب ها صورت می گیرد. بازی ای که بمثابة "مذاکرات صلح با طالب ها" قلمداد می گردد، باید از نتایج و چگونگی تصمیمگیری های آن به گونه شفاف و واضحی توضیحات و اطلاعات مؤثقی در اختیار همگان قرار داده شده تا همه از چگونگی تدویر و کارکرد های آن مطلع و آگاه گردند. چه در این مورد نه تنها در مورد سرنوشت حاکمیت سیاسی، بلکه در مورد آینده تمامی کشور بمفهوم وسیع کلمه، تصامیمی اتخاذ خواهد گردید.

قابل تذکر می باشد که مذاکرات و گفتگوهای صلح، بویژه پس از گماشتن خلیل زاد بمثابة نماینده وزارت امور خارجه ایالات متحده، به مرحله جدیدی وارد گردید. نماینده اشرف غنی در همان زمان در مذاکرات ابوظبی، دوحه و یا دیگر مذاکرات اینچینی شرکت نورزید، همچنان هرگز در مورد چگونگی مسأله مورد بحث با طرف "طالب" ها اصلن توضیحی ارائه نگردید. این نخبگان کشوراند که بگونه جدی جریان و پروسه ملاقات و مذاکرات را فعالانه باید دنبال نمایند.

طبق آخرین اطلاعات و خبرهای به نشر رسیده توسط وسایل اطلاعات جمعی، تلاش بعمل می آید که "طالب" ها را مجبور نمایند تا قانون اساسی کشور را پذیرفته، به روابط شان با "القاعده" خاتمه بخشیده، به حقوق زنان احترام گذاشته و در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری شرکت ورزند.

اما در شرایط کنونی، وضعیت اندکی متفاوت می باشد. خلمی خلیل زاد ملاقات های متعددی با نمایندگان "طالب" ها در قطر، پاکستان و امارات متحده عربی انجام داده و بگونه منظمی از جریان سفر و گفتگوهای اشرف غنی را در جریان می گذاشت. عمده ترین وظیفه و مکلفیت ایالات متحده در اوضاع و احوال کنونی تهیه شرایط و مقدمات لازمی بمنظور سرهم بندی نمودن گفتگوها و دیدارهای مستقیم و رو در روی هیأت نمایندگی دولت افغانستان و نماینده های "طالب" ها می باشد که هنوز گروه اخیر الذکر از پذیرفتن آن امتناع ورزیده و حاضر به مذاکره با جانب نمایندگان دولت افغانستان نگردیده اند. "طالب" ها چنین ادعا می ورزند که در گام نخست، سلسله مطالب و موضوعات موجود را با امریکایی ها باید حل و فصل نمایند نه با دولت افغانستان.

"طالب" ها تأکید ورزیدند که تقاضاهای عدیده آنها از جمله یکی هم حذف اسمای رهبران آنها از فهرست مربوط به سازمان ملل و آزادی زندانیان آنها که توسط امریکایی ها و قوت های مسلح افغانستان دستگیر و زندانی گردیده اند، می باشد. همچنان، "طالب" ها تأکید می ورزند که در مذاکرات صلح کنونی، در مورد مسأله خروج قوت های نظامی ایالات متحده از افغانستان، باید تصامیم جامعی اتخاذ گردد. آنها طرفدار آنند تا جدول زمانی خروج کامل قوت های یا د شده تهیه گردیده و جنبه عملی کسب نماید. در کنار ایالات متحده، پاکستان نیز در صدد ترغیب "طالب" ها به شرکت در مذاکرات مستقیم و رو در رو با جانب دولت افغانستان می باشد. یکی از نشست های پسین، البته در آستانه سال ۲۰۱۹ ملاقات و گفتگوهای در ابوظبی بود که در آن نماینده های پاکستان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی شرکت ورزیده و تأکید بعمل آمد که هر سه کشور بر "طالب" ها فشار وارد نمایند تا در موارد ذکر شده به اقدامات مورد نظر همت گمارند، اما تاکنون نتیجه مشخصی از آن بمشاهده نمی رسد. نباید فراموش خاطر ما گردد که دور دیگر مذاکرات و گفتگوها هنوز پیشرومی باشد.

بعقیده برخی از کارشناسان، "دیپلوماسی گوسفندی" خلیل زاد، ممکن به نتایجی منجر گردد. اما تردیدهایی نیز در مورد موجود می باشد.

بسیاری ها چنین ابراز نظر می نمایند که اکنون ابتکار عمل در مذاکرات بدست "طالب" ها می باشد. آنها شرایطی را پیشکش نموده و مطرح خواهند نمود و ایالات متحده نیز ناگزیر به پذیرش آنها گردن خواهد نهاد که از جمله، یکی هم، بگونه مثال آزادی رهبران شناخته شده آنها از زندان ها می باشد و الخ.

هژدهم ماه جنوری سال ۲۰۱۹